

## بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه بیست و چهارم ۱۳۹۶/۰۹/۱۴

لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۲۳) - شایستگی های لازم یک پاسخگو به شبهات (۹)

اعوذ بالله سميع العليم من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

یکی از بحث‌هایی که در رابطه با فرد متصدی پاسخگویی به شبهات و ورود در مناظره مطرح است، صداقت و انصاف است که اگر این صداقت و انصاف رعایت نشود قطعاً موفقیتی حاصل نخواهد شد. خدای عالم می‌فرماید:

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

سوره مائده، آیه ۱۱۹

یا در آیه دیگر می‌فرماید:

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيَعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَحِيمًا

سوره احزاب، آیه ۲۴

همان تعبیر معصوم که می‌فرماید:

النجاة في الصدق كما ان الهلاك في الكذب

در مواجهه با مخالف ما معتقدیم که به هیچ وجهی هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند همان طوری که به خود حضرت امیر بارها اصرار کردند که آقا شما کاری با معاویه و این‌ها نداشته باش فعلاً با این‌ها مماشات بکن تا

حکومت تو سر گرفت و مسلط شدی بعد به تدریج این‌ها را کنار بزن حضرت فرمود به هیچ وجهی در فرهنگ من این‌چنین منطقی وجود ندارد که من بیایم برای یک سری مصالح، یک فرد ناشایست و نالایق را بخواهم ولو به عنوان یک روز بر مسندی که صلاح نمی‌بینم ابقاء کنم. یا در نهج‌البلاغه خود حضرت امیر سلام الله علیه دارد که

عَلَامَةُ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤَثِّرَ الصِّدْقُ حَيْثُ يَصْرُكَ عَلَى الْكُذِبِ حَيْثُ يَنْفَعُكَ

نشانه ایمان این است که با صداقت جلو بروی گرچه صادقانه برخورد کردن به ضرر تو باشد و از کذب اجتناب کنی گرچه دروغ گفتن به نفع تو است.

شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة (للصّبحي صالح)، ص ۵۵۶، هجرت - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.

البته این را ما دقت کنیم صداقت اگر به ظاهر ضرری می‌زند شاید از نظر نگاه دنیوی ضرر باشد ولی در واقع صداقت جز عنایت الهی نیست

إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا

سوره حج، آیه ۳۸

کذب به ظاهر نفع می‌رساند ولی در واقع انسان را با مشکل مواجه می‌کند اگر خطرات دنیوی هم نداشته باشد قطعاً خطرات اخروی دارد هر منفعتی ما بخواهیم برای کذب تصور کنیم در برابر آن خطرات اخروی خیلی ناچیز است و همچنین مرحوم شیخ صدوق در کتاب خصال از امیر المؤمنین سلام الله علیه نقل می‌کند:

الصِّدْقُ أَمَانَةٌ وَ الْكُذِبُ خِيَانَةٌ وَ الْأَدَبُ رِئَاسَةٌ

صداقت امانت است - که ما باید امانت الهی را حفظ کنیم - دروغ، خیانت است - در هر شرایطی باید اجتناب کنیم و مؤدبانانه برخورد کردن هم نشانه بزرگی است

ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۵۵۰، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.

در روایت مناظره اصحاب امام صادق علیه السلام با مرد شامی که قبلا بیان کردیم، آن حضرت در انتها ، مناظره تک تک اصحاب را مورد تحلیل قرار دادند. به عمران فرمودند:

تُجْرِي الْكَلَامَ عَلَى الْأَثْرِ فَنُصِيبُ

تو همواره تلاشت این است که با سنت و حدیث طرف مقابل را مغلوب کنی و حق را برای او روشن کنی و این

کار درستی است و موفقیت هم دارد

وَ التَّفَتِ إِلَى هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ فَقَالَ تُرِيدُ الْأَثَرَ وَ لَا تَعْرِفُهُ

می خواهی با سنت و حدیث جلو بروی ولی تو حدیث شناس نیستی آگاهی از مبانی احادیث ما و سنت ما

نداری

خیلی عجیب است

التَّفَتِ إِلَى الْأَحْوَالِ فَقَالَ قِيَاسُ رَوَاغٍ

سپس رو به مومن الطاق کرد و فرمود: در مناظرات به قیاس عمل می کنی و با قیاس شروع می کنی

تَكْسِيرُ بَاطِلًا بِبَاطِلٍ

می خواهی باطل طرف مقابل را از بین ببری با حق از بین نمی ببری با باطل از بین می ببری.

یعنی با قیاس کردن و با مطالب نادرست در برابر نادرست طرف را مغلوب می کنی

إِلَّا أَنْ بَاطِلَكَ أَظْهَرَ

جز این که باطل تو قوی است طرف را مغلوب می کند و تو غالب می شوی

به قیاس المَاصِرِ توجه کرد و فرمود:

تَتَكَلَّمُ وَ أَقْرَبُ مَا تَكُونُ مِنَ الْخَبْرِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَبْعَدُ مَا تَكُونُ مِنْهُ

و تلاش می‌کنی با سنت نبی مکرم صلی الله علیه وآله وسلم طرف مقابل را مغلوب بکنی ولی این روش تو را از حق دور می‌کند روش تو روش صحیحی نیست

تَمْرُجُ الْحَقِّ مَعَ الْبَاطِلِ

می‌خواهی با حق طرف را مغلوب کنی ولی به حق خودت باطل را هم مخلوط می‌کنی

چهار تا غلو یا چهار تا دروغی و امثال این را مطرح می‌کنی طرف دیگر در جواب تو عاجز می‌شود

وَ قَلِيلُ الْحَقِّ يَكْفِي عَنْ كَثِيرِ الْبَاطِلِ

شما به جای این که ده تا جواب برای او بدهی دو تا جوابت حق است هشت تای آن ناحق است به همان دو تا جواب حق اکتفا کن.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية) ؛ ج ۱ ؛ ص ۱۷۳ ، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

چرا این همه حرف اضافه می‌زنی ادله بیشتری می‌آوری و از باطل استفاده می‌کنی؟ خدا حفظ کند آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی را ایشان در ارتباط با بحث هایی که ما با اساتید عربستان سعودی داشتیم ، به ما توصیه می‌کرد که شما تلاش کنید از کمیت دلیل بکاهید و به کیفیت بیافزایید به جای این که ده تا دلیل بیاورید از این ده تا دلیل چهار تا، پنج تا قوی است الباقی ضعیف است طرف مقابل می‌آید ادله شما را نگاه می‌کند ضعیف‌ترین دلیل شما را بر می‌دارد نقد می‌کند و می‌گوید وقس علی هذا دیگر ادله را و لذا ما هم همیشه به دوستانمان توصیه می‌کنیم کمیت در مناظره و پاسخگویی به شبهات نباید ملاک باشد که یکی از اشکالاتی که ما به علامه امینی رضوان الله تعالی علیه با آن عظمتی که این بزرگوار دارد و الغدیر را من از کرامات اهل بیت می‌دانم اگر نگوییم از معجزات است داریم، همین است. ایشان جواب‌ها را از همان قرن دوم، سوم شروع می‌کند ابن سعد در طبقات این را گفته، طبری این را گفته ، ذهبی این را گفته، ابن حجر این را گفته فلانی این را گفته یک موقع می‌بینیم بیست و بیست پنج تا شاهد می‌آورد.

من یادم نمی‌رود اولین جلسه‌ای که ما با این پرفسور غامدی در مکه مناظره داشتیم اگر اشتباه نکنم در رابطه با نزول آیه

یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

سوره مائده، آیه ۶۷

از منابع اهل سنت بود من یک ورقه‌ای از جیبم در آوردم حدود ده، دوازه تا از مصادر را بیان کردم ایشان خیلی رُک با یک جمله ما را خلع سلاح کرد و من دیدم واقعاً هم درست است. و گفت فلانی ببینید اول کسی که این قضیه را نقل کرده طبری بوده متوفای ۳۱۰ بعد از او ابن ابی حاتم از او نقل کرده، ذهبی از او نقل کرده ابن حجر از او نقل کرده و فلانی و فلانی از او نقل کرده پس همه این‌ها به یک نفر بر می‌گردد شما بیایید در رابطه با حدیث طبری بررسی کنیم ببینیم این روایت صحیح است یا روایت صحیح نیست؟ من دیدم حرف درستی دارد می‌زند ولو این که از زبان یک دشمن و مخالف در می‌آید و این باعث شد که ما به آن فرمایش آیت‌الله العظمی شبیری زنجانی دیگر علم که هیچ عین الیقین پیدا کردیم یا برای ما حق الیقین شد و لذا من به همه دوستان هم توصیه می‌کنم در جواب به شبهات معاندین یا استدلال بر حقانیت اهل بیت ما نگاه نکنیم بر این که مثلاً فلانی ۲۰ تا دلیل آورده ما هم از بین آنها ده دلیل را انتخاب کنیم فلانی آمده ۳۰ تا مصدر ذکر کرده مصدر ذکر کردن هنر نیست این که آیا این مصدر، از نظر ارزش علمی در چه حدی است آن ملاک باید باشد یعنی استدلال ما هم از نظر سندی هم از نظر دلالی به قدری قوی باشد فبهت الذی نافق؛ فبهت الذی انکر؛ طرف دیگر دست و پای خودش را گم کند دیگر نتواند هیچ حرفی بزند من بارها گفته ام در جلسه ای که با مفتی اعظم عربستان سعودی آل شیخ داشتم، بحث توسل که مطرح شد شاید مجموع بحث‌مان در این موضوع ۵ دقیقه نشد کمتر از ۵ دقیقه ایشان چند تا آیه از قرآن استدلال کرد که توسل باطل است و شرک است

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ

سوره احقاف، آیه ۵

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ

سوره اعراف، آیه ۱۹۴

این آیات را خواند و من هم آمدم آیه

يا اَبانا اِسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا اِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

سوره يوسف، آیه ۹۷

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ

سوره نساء، آیه ۶۴

خواندم ایشان گفت آقا این مربوط به زمان حیات پیغمبر است پیغمبر که از دنیا رفت تمام شد رفت و نه می شنود و نه جواب ما را می دهد من جواب دادم که آقا بحث انبیاء علیهم السلام طبق روایات شما

الأنبياء احياء في قبورهم

أبو يعلي الموصلي التميمي، أحمد بن علي بن المثنى (متوفى ۳۰۷ هـ)، مسند أبي يعلي، ج ۶، ص ۱۴۷،

حدیث ۳۴۲۵، تحقیق: اسد، حسین سلیم، ناشر: دار الثقافة العربية

گفت آیا صحابه سنت پیغمبر را بهتر می فهمیدند یا شما شیعه ها؟ ما یک مورد نداریم صحابی بیاید به قبر پیغمبر متوسل بشود من چند مورد روایت نقل کردم گفت همه این روایات جعلی و دروغ است ساختگی است وقتی من دیدم به این جا رسید ۲ تا دلیل آوردم نه بیشتر گفتم آقا ابن حجر از استوانه های علمی و رجالی شما است در فتح الباری، جلد ۲، صفحه ۴۱۲ می گوید توسل آقای بلال ابن حارث به قبر پیغمبر روایت صحیح است ابن کثیر دمشقی شاگرد ابن تیمیه هم در البداية والنهاية، جلد ۵، صفحه ۱۰۷ می گوید روایت صحیح است وقتی که این را گفتم خدا شاهد است این اصلاً همین طوری مات مانده بود چه جوابی به ما بدهد؟ الان در رابطه با همین حدیث شاید بیش از ۴۰ تا مصدر اهل سنت نقل کردند توسل بلال ابن حارث به قبر نبی مکرم را ما آمدم

دو تایی که اصلاً این‌ها نمی‌توانند از حرف این‌ها در بروند نه این حجر را می‌توانند از دست بدهند و نه می‌توانند به این کثیر اشکال کنند. شروع کرد یک سری بحث کردن خود معاویینش اعتراض کردند گفتند: این آقا می‌گوید این دو عالم ما روایت را تصحیح کرده اند! گفتم کتاب را بیاورید کتاب را آوردند نگاه کردند، دیدند درست است و دیگر کل قضیه بسته شد. خب اگر ما بیاییم در بحث‌ها تلاش کنیم به یک یا دو مورد ولی این یکی دو مورد هم طوری باشد حالا ان شاء الله عرض خواهم کرد طرف مقابل نسبت به مورد ما نتواند اشکال وارد کند یکی از مصادیق

وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

سوره نحل، آیه ۱۲۵

استدلال به قول و گفتار کسی است که طرف مقابل مورد تأییدش است

**پرسش:**

استاد یک مطلبی دیگر هم شما در آن مناظره فرموده بودید چطور می‌شود که یک چیزی در زمان حیات شرک نباشد وقتی پیغمبر که می‌میرد شرک باشد اشکال این چیست؟

**پاسخ:**

ببینید بحث سر این است می‌گوید آقا در زمان حیات پیغمبر توسل مشروع است ولی بعد از مردن پیغمبر دیگر توسل جایز نیست دلیل‌شان هم این است پیغمبر که از دنیا رفت مات فات ارتباط پیغمبر دیگر با این دنیا برای همیشه قطع شد پیغمبر، نه می‌شنود و نه می‌تواند جواب به ما بدهد و منطق‌شان این است ما در جواب دو تا مسئله داریم یک چطور می‌شود یک امری در زمان حیات پیغمبر امری مشروع باشد ولی با وفات ایشان غیر مشروع بشود پیغمبر در حال حیاتش نبی لاشک ولا ریب، آیا بعد از وفات پیغمبر نبوت از پیغمبر باطل می‌شود؟ نه. آن‌چه که در حیات پیغمبر برای نبی مکرم ثابت است الی قیام قیامت هم ثابت است ایشان می‌گفت وقتی

که این از دنیا رفت عاجز از شنیدن و جواب دادن است گفتم اگر ملاک عجز متوسل الیه باشد این امر عبث است نه شرک گفتم مثلاً کسی یطلب عن الجدار أن یشبعه می گوید آقای دیوار من را سیرم کن من گرسنه ام! آیا این شرک است یا امر عبث و باطلی است، باطل با شرک زمین تا آسمان تفاوت دارد می گویم آقای میز من را سیرابم کن، آیا این شرک است؟ یا یک امر باطلی است یا یک کسی که نابینا است می گوید دست من را بگیر ببر آن طرف جاده و خیابان. آیا این شرک است یا امر باطل؟ این جا بود که ایشان گفت شما بهتر از سنت پیامبر آگاه هستید یا صحابه؟

**پرسش:**

اگر ملاک شرک بودن خواندن غیر خدا باشد این ها چه در حیات باشند چه در ممات باشند به هر حال غیر خدا را خواندیم.

**پاسخ:**

بله

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

سوره نحل، آیه ۲۰

اگر ملاک باشد دیگر فرقی نمی کند که این دون الله در حال حیات باشد یا در حال ممات باشد و اضافه بر اینکه اگر به زن یا بچه ام بگویم به من آب بده یا دست من را بگیر تمام این قضایا شرک می شود.

**پرسش:**

البته در این زمینه خیلی راحت هستند می گویند که در زمان پیامبر حلال بود حرامش کردند

**پاسخ:**

نه آخر بعکس است خود خلیفه دوم می گوید

اللهم إنا كنا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا



الجامع الصحيح المختصر ، ج ۱، ص ۳۴۲، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:  
۲۵۶ ، دار النشر : دار ابن كثير , اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : د. مصطفى ديب

**البغا**

نسبت به شیخین می‌گویند این‌ها همچنین قدرتی داشتند ولایت تشریحی داشتند می‌توانستند حلالی را حرام و حرامی را حلال کنند ولی بدبختانه این قضایا عمدتاً به زمان ابن تیمیه و به بعد بر می‌گردد یعنی در صدر اسلام ما همچنین چیزی را نداریم.

**پرسش:**

بحث شهرت مطرح است شما ببینید مثلاً می‌گوید از طبری است و بعد می‌گوید این‌ها را از طبری نقل کرده است مشهور این است.

**پاسخ:**

نه، شهرت فتوایی ملاک است این شهرت نیست، شهرت در یک زمان ملاک است نه در طول تاریخ اگر در عصر طبری مثلاً در قرن ۴ ده نفر نقل کرده باشند این ملاک است ولی این‌ها می‌گویند طبری نقل کرده دیگران هم از او نقل کردند این در حقیقت اعتماد این‌ها به طبری بوده است از این فقط ما می‌توانیم این را استفاده کنیم که حرف طبری این قدر معتبر بوده و دیگران هم از او نقل قول کرده اند ولی این‌ها وقتی که می‌آیند طبری را رد می‌کنند زیرا ب دیگران را هم می‌زنند ولذا این نقل اقوال در قرون مختلف ملاک حقایق نیست اعتماد این‌ها به آن ناقل اول است این را فقط می‌تواند اثبات کند در غیر این صورت نقل اقوال هیچ فائده ای ندارد.

**پرسش:**

نقل‌های تاریخی ما هم همین‌طور است منبع اولیه اکثر جاها که روایت نقل کرده یک نفر بوده است.

**پاسخ:**

ولذا اگر کتاب البدر الظاهر فی صلاة المسافر آیه الله بروجردی رضوان الله تعالی علیه را که یکی از کتابهای فقهی قوی آیت الله بروجردی است ایشان هم در این جا و در سر درس شان هم شاگردانشان نقل می کنند خیلی از روایات صاحب جواهر و غیره که می گفتند مستفیض است، ایشان می گفت نه مستفیض نیست مثلاً نقل کردند محمد ابن مسلم از زراره، جمیل ابن دراج از زراره عبدالله ابن یعفور از زراره؛ پس راوی آن یک نفر بوده یعنی همه اینها به یک نفر بر می گردد آن راوی آخر است گرچه در روایتهای مختلف با سندهای متعدد آمده ولی آخر به یک راوی می رسد . نکته ای دیگری که ایشان مطرح کردند و معمولاً مغفول عنه در میان ما است اینکه امام صادق سلام الله علیه در یک جلسه مطلبی را گفته در آن جلسه زراره هم بوده محمد ابن مسلم هم بوده جمیل ابن دراج هم بوده، ابن ابی یعفور و دیگران هم بوده اند و اینها نقل کردند یعنی در حقیقت یک روایت است امام صادق علیه السلام یک مورد را فرموده آیا با این مستفیض اثبات می شود یانه؟ آقایان می گویند مستفیض آن روایتی است که امام در جلسات مختلف مطلبی را گفته باشد راویان مختلف این روایت را نقل کرده باشند این ملاک است به هر حال حضرت می فرماید:

تَمْزُجُ الْحَقَّ مَعَ الْبَاطِلِ وَ قَلِيلُ الْحَقِّ يَكْفِي عَنْ كَثِيرِ الْبَاطِلِ

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية) ؛ ج ۱ ؛ ص ۱۷۳ ، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

در روایت دیگری باز از آقا امیرالمؤمنین سلام الله علیه است که می فرماید:

أَلَا إِنَّهُ مَنْ يُنْصِفِ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا عِزًّا.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲ ؛ ص ۱۴۴، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.

ما در سخن گفتن با دیگران تلاش کنیم انصاف را رعایت کنیم اگر طرف مقابل ما ده تا حرف زد پنج مورد آن درست بود ما با کمال شهامت بگوییم آقا حرف اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم شما درست است قبول دارم ولی

حرف ششم شما به این دلیل نادرست است ولی اگر نه چه حق بگوید و چه ناحق بگوید ما همه آنها را رد کنیم، این درست نیست و از حمایت الهی هم قطعاً محروم خواهیم شد این‌ها در حقیقت یک بخشی است که ما در برخورد با طرف مخالف و در پاسخگویی به سخنان او تلاش کنیم انصاف و تقوا را رعایت کنیم .

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته